

" این متن رو پرینت بگیرید و از روی آن به هر تعداد که مقدور می باشد کپی بگیرید و بخش کنید و همچنین از طریق پست الکترونیکی به سایر دوستان ارسال نمایید . "



سبز رنگ نفرت نیست؛

نگاهی به جنگ روانی کودتاچیان برای انحراف جنبش مدنی ملت ایران

کاری از گروه تحلیلگران انقلاب سبز

«ما با خشم اشغالگران میجنگیم، نه با وجود آنها»

(مهاتما گاندی)

همزمان با اعلام موجودیت بریگادهای سبز علوی، تم (پس زمینه) برنامه های خبری و سیاسی تلویزیون انحصاری دولت کودتا به رنگ سبز در آمد. از آنجا که کودتاچیان میدانند میزان اعتماد و علاقه مردم نسبت به صدا و سیما در چه سطحی قرار دارد، سبز شدن زمینه برنامه های صدا و سیما، تلاشی است که باید در حوزه جنگ روانی (یا به قول رهبر نظام : جنگ نرم) ارزیابی شود. صدا و سیمای جمهوری اسلامی، تحت مدیریت نظامیان، اکنون اکثریت مخاطبان خود را دشمنانی میداند که باید به هر طریق آنها را مرعوب و از مبارزه منصرف کند و رنگ و لعاب جدید صدا و سیما را از این منظر باید نگرست.

اما چرا بریگادهای سپاه و صدا و سیمای کودتا از رنگ سبز برای جنگ نرم استفاده کرده اند؟

پاسخ کوتاه و دم دستی به این سوال این است که شدت توسعه و فراگیری جنبش سبز، امکان مقابله را از کودتاچیان گرفته و از آنجا که از زدودن و محو کردن علائم و نشانه های سبز از عرصه عمومی ناتوان هستند، با سبز کردن خود و سبز کردن

اشک سبزمین و تو موجها خواهد ساخت ... گرچه آغشته به خونیم ، گرچه آلوده به درد ...
بغض سبزمین و تو ، نغمه ها خواهد خواند ... گرچه در باورشان نیست که ما ، شاهد روشن فردا بیم ...
سبزمی اندیشیم ... حيله ها خواهد سوخت ... قصه ها خواهد ماند ... هموطن همراه شو ...

" این متن رو پرینت بگیرید و از روی آن به هر تعداد که مقدور می باشد کپی بگیرید و بخش کنید و همچنین از طریق پست الکترونیکی به سایر دوستان ارسال نمایید . "



گروه انقلاب سبز

پس زمینه اخبار (حتی اخبار هواشناسی) سعی میکنند وسعت و فراگیری جنبش سبز را مغشوش کنند . این پاسخ نادرست نیست و اتفاقاً بخشی از حقیقت را بیان میکند، اما در مورد صدا و سیمای کودتا باید قدری دقیق تر به مسئله نگاه کرد .
موضوع این است که بسیار خوب، این کار را کردند، اما بعدش چی!؟

واقعیت این است که مدیران نظامی صدا و سیما تلاش میکنند از یک امکان یا ظرفیت بالقوه در درون جنبش سبز، به نفع خود و سیاستهای سرکوبگرانه شان استفاده کنند و با استفاده از این نیرنگ روانی در کنار سرکوب خشونت بار خیابانی، سلطه خود را بر عرصه عمومی تحمیل کنند. نظامیان در ماه های گذشته در تلاش برای یافتن نقطه قوت جنبش سبز، به این نتیجه رسیدند که مسالمت جویی و عدم خشونت، مهمترین نقطه قوت جنبش سبز بوده و باعث کسب پیروزیهای چشمگیر این جنبش و رشد سریع آن شده است. باید توجه داشت که خشونت فقط به خشونت فیزیکی و اغتشاش خیابانی محدود نمیشود؛ هر سخن و عملی که ناشی از خشم و نفرت باشد، میتواند به نقطه شروعی برای چرخه خشونت تبدیل شود . به همین دلیل است که در کشورهای اروپایی، فحش های نژادی و مذهبی، مجازاتهای شدیدی در پی دارند، چرا که از نمونه های بارز خشونت کلامی محسوب میشوند. خشونت حاصل خشم و نفرت است و در انتقام جویی و نفی و انکار غیر منطقی ظهور می یابد و در حال حاضر این نفرت و انتقام جویی هنوز به صورتی پنهان در بخشها و لایه هایی از هواداران و همراهان جنبش سبز وجود دارد. هنوز هستند کسانی که مبارزه بدون خشونت را نه به انتخاب، بلکه به ضرورت پذیرفته اند و معتقدند که در فرصت مناسب باید همه نیروهای وابسته به دیکتاتوری (و حتی بیطرفها) را در دادگاه های «خلق» محاکمه کرد و از دم تیغ گذراند! نمیتوان بر این دوستان خرده گرفت، چرا که عدم درک رابطه ظریف بین هدف و وسیله، معضل ی است که همواره در جهان سوم وجود داشته است.

اما در خصوص بحث فعلی میتوان به افرادی اشاره کرد که معتقدند باید برنامه های صدا و سیما را با دقت تماشا کرد و دقیقاً برعکس هنجارها و توصیه هایی که در این برنامه ها ذکر میشود را در عمل پیاده کرد (آن چه توگفتی نکنید، آن کنیم!) این تفکر، میتواند به راحتی در دام انفعال و واکنش گرایی بیفتد و افکار عمومی را به طعمه ای برای نیت ها و مقاصد خشونت آمیز کودتاچیان تبدیل کند . کودتاچیان دقیقاً میدانند که اکثریت مردم ایران، از دولت کودتا و صدا و سیمای

اشک سبز من و تو موج ها خواهد ساخت ... گرچه آغشته به خونیم ، گرچه آلوده به درد ...
بغض سبز من و تو ، نغمه ها خواهد خواند ... گرچه در باورشان نیست که ما ، شاهد روشن فردا بیم ...
سبز می اندیشیم ... حيله ها خواهد سوخت ... قصه ها خواهد ماند ... هموطن همراه شو ...

" این متن رو پرینت بگیرید و از روی آن به هر تعداد که مقدور می باشد کپی بگیرید و بخش کنید و همچنین از طریق پست الکترونیکی به سایر دوستان ارسال نمایید . "



گروه انقلاب سبز

انحصاری آن متفردند و به همین جهت، با سبز کردن برنامه های تلویزیون، سعی میکنند بر همین خصومت، نفرت و خشم سرمایه گذاری کنند و رنگ سبز را به یکی از این عناصر نفرت اضافه کنند.

باید توجه داشت که تغییر رویکرد از باتوم، قمه، شیشه نوشابه، گاز اشک آور و تجاوز جنسی به ترفندهایی مثل "سبز علوی"، در ذات خود بیانگر پیروزی عمیق اجتماعی و گفتمانی جنبش سبز است؛ از این نظر، یک دور از مبارزات مسالمت آمیز ملت ایران با پیروزی جنبش سبز خاتمه یافته است، چرا که دولت و رهبری که همیشه بر ترمز بریدن و عدم مصلحت اندیشی، افتخار کرده اند، از روی میل و علاقه به دنبال تاکتیکهای جنگ «نرم» نرفته اند، بلکه مجبور به این کار شده اند. همین امر نشان دهنده اهمیت حیاتی استفاده از مبارزه مدنی و مسالمت آمیز است، چرا که حریف را (حتی به صورت متظاهرانه و دروغین) وادار کرده است که بر خلاف روحیه اصیل خود (فحاشی، قمه کشی و چماقداری) رفتار کند. در تشریح این تغییر رفتار باید گفت که یکی از مبانی شناخت ماهیت و تعریف قدرت این است که چه کسی زمان، مکان و ابزار مبارزه را تعیین میکند، نه اینکه کدام طرف در همه زمینه ها زور بیشتری دارد؛ برای درک اهمیت این مسئله از یک مثال استفاده میکنیم: ظلم، ستم و تبعیضی که به صورت سیستماتیک در حق ایرانیان جنوب شرق کشور صورت گرفته و میگیرد، برای اکثر ما حتی قابل تصور هم نیست. در این میان مجموعه ای از عوامل و زمینه ها، دست به دست هم دادند و یک حرکت مقاومت مسلحانه در این منطقه شکل گرفت و توانست ضربه سختی به حکومت وارد کند. اما دولت کودتا برای مقابله با این امر، عشایر و نیروهای بسیجی بومی را مسلح کرد. نتیجه این امر چیزی نیست جز برادر کشی و ایجاد زمینه برای ظلم، تبعیض، جنایت و فساد بیشتر و در نهایت ایجاد امکان مداخله بیشتر برای دولت غاصب و تبعیض گر. بنابراین در شرایطی که یک دولت غیر مسئول بر مقدرات کشور حاکم باشد، هر نوع اقدام خشونت آمیز، اشتباهی تاکتیکی است که فقط به تقویت موضع مداخله جویانه و سرکوبگرانه دولت غیر مسئول منجر میشود.

اما در مقابل این امر و برای درک قدرت و عمق استراتژیک مبارزات بی خشونت، میتوان به سخنان ضرغامی در مصاحبه ای که پس از انتصاب مجدد به ریاست صدا و سیما، انحصاری انجام داد، توجه کرد: او به صورت علنی عنوان کرد که موسوی و کروبی قصد داشته و دارند که از طریق تلویزیون مردم را به اغتشاش دعوت کنند. با این فرض که رئیس

اشک سبز من و تو موج ها خواهد ساخت ... گرچه آغشته به خونیم ، گرچه آلوده به درد ...
بغض سبز من و تو ، نغمه ها خواهد خواند ... گرچه در باورشان نیست که ما ، شاهد روشن فردا بیم ...
سبز می اندیشیم ... حيله ها خواهد سوخت ... قصه ها خواهد ماند ... هموطن همراه شو ...

" این متن رو پرینت بگیرید و از روی آن به هر تعداد که مقدور می باشد کپی بگیرید و بخش کنید و همچنین از طریق پست الکترونیکی به سایر دوستان ارسال نمایید . "



گروه انقلاب سبز

صدا و سیمای دولت کودتا، به عنوان یک مقام رسمی حکومتی درست گفته باشد، میتوان پرسید که اگر در بیست سال گذشته، کسی مردم را به «اغتشاش» دعوت میکرد و در این خصوص 14 بیانیه و چند پیام ویدئویی منتشر میکرد، به چه سرنوشتی دچار میشد؟ آیا اصولاً میتوانست پس از صدور بیانیه اول، بیانیه دومی صادر کند، یا اینکه فوراً و با خشن ترین شیوه ممکن حذف یا نابود میشد؟ کفایت به یاد آوریم که حکومت با آیت الله منتظری (نه به عنوان یک مرجع عالیقدر، بلکه به عنوان یک شهروند عادی) چه رفتاری داشت.

هدف از بیان این مثالها و پرسشها، اشاره به ویژگیهایی است که باید به طور اساسی شناخته و تبیین شوند تا زمینه پیروزی نهایی و عینی جنبش سبز را فراهم آورند. بسیاری تصور میکنند که پرهیز از خشونت و مبارزه مسلحانه، به خاطر ترس یا فقدان امکانات اولیه این کار است، اما ویژگی جنبش سبز این است که با استفاده از امکانات و ظرفیتهای مدنی و اجتماعی خود، مجموعه ای عظیم از تسلیحات و امکانات نظامی و پلیسی - امنیتی حریف را بلا استفاده و از جریان رقابت خارج کرده است. کودتاچیان نه تنها مجبور شده اند، برخلاف رویه های آغازین، کمتر از اسلحه استفاده کنند، بلکه با استفاده از روشهای به اصطلاح نرم، و ادار به مبارزه در عرصه ای شده اند که هیچ بختی برای پیروزی در آن ندارند. کودتاچیان، نه نیروی کافی و آموزش دیده، نه دانش و نه فهم لازم برای مبارزه در عرصه های نمادین و مدنی را در اختیار ندارند و در این عرصه، یک رقیب ضعیف و از پیش باخت محسوب میشوند. به همین دلیل است که در جنگ به اصطلاح نرم، با استفاده از تاکتیکهای عهد بوق برای به ستوه آوردن و از کوره به در بردن معترضان، دست به سرقت زده اند و با زدن نقاب سبز، قصد عصبی کردن مردم را دارند، چرا که در غیاب نفرت، خشم و خشونت، هیچ امیدی برای بقا ندارند و به همین دلیل، مذبوحانه تلاش میکنند سبزها را به دام یاس یا خشم و خشونت بیندازند و عرصه و میدان مبارزه را به سمتی بکشانند که در آن قوی تر هستند.

در همین زمینه است که عناصری مثل لاریجانی و صفار ه رندی، تقلائی شدیدی برای دزدیدن واژگان و تعبیرهای جنبش سبز انجام میدهند و ناشیانه سعی میکنند با کلماتی مثل دیکتاتور و کودتا، جمله سازی کنند. از این تلاشهای ناکام باید با حفظ هوشیاری و در کمال خونسردی استقبال کرد، چون که کودتاچیان، زبان مادری خود برای تبیین و تفسیر واقعیت پیرامون

اشک سبزمین و تو موجها خواهد ساخت ... گرچه آغشته به خونیم ، گرچه آلوده به درد ...
بغض سبزمین و تو ، نغمه ها خواهد خواند ... گرچه در باورشان نیست که ما ، شاهد روشن فردا بیم ...
سبزمی اندیشیم ... حيله ها خواهد سوخت ... قصه ها خواهد ماند ... هموطن همراه شو ...

" این متن رو پرینت بگیرید و از روی آن به هر تعداد که مقدور می باشد کپی بگیرید و بخش کنید و همچنین از طریق پست الکترونیکی به سایر دوستان ارسال نمایید . "



گروه انقلاب سبز

خویش را از دست داده اند: دیگر واژگانی مانند طاغوت، اغتشاش، محارب، منافق، مرگ، دشمن و فریب، که سالها برای توجیه سرکوب سیاسی حکومت مورد استفاده قرار می گرفتند، از مد افتاده اند و خریدار ندارند و به جای آن‌ها واژگان و مفاهیم گفتمان جنبش سبز، به صورتی کودکانه مورد استفاده قرار میگیرد. این امر بهترین و شفاف ترین طلیعه پیروزی جنبش سبز است، چرا که کودتاچیان از یک طرف توانایی تفسیر واقعیت موجود و برقراری ارتباط با جهان واقعی و اجتماعی را به تدریج از دست میدهند، و از طرف دیگر نمیتوانند برای جبران این ضعف، از چماق و اسلحه استفاده کنند، چرا که قرار است به فرموده صاحب اختیار خود، «نرم» شوند. روش مسالمت آمیز جنبش سبز، کودتاچیان را وادار به بازی در زمینی کرده است که برایشان ناآشنا و ناهموار است. آنها مجبور شده اند به جای قمه و باتوم و تفنگ، از ابزاری استفاده کنند، که مهارت استفاده از آن را ندارند و از همه مهمتر، زمان بازی را هم سبزها تعیین میکنند و از مناسبتهای رسمی برای تجمع و اعتراض به دولت کودتا استفاده میکنند. بنابراین تردیدی نیست که جنبش سبز، در موقعیت برتر و تعیین کننده ای قرار دارد و دلیلی برای تغییر وضعیت بازی وجود ندارد، چراکه در هر دور این بازی، جنبش سبز، قوی تر، فراگیر تر و خونسرد تر میشود و دولت کودتا یک قدم به سقوط نزدیکتر میگردد. در شرایطی که میتوان زوال تدریجی دولت کودتا را با لذت تماشا کرد، هیچ دلیل منطقی برای دعوت به حرکت‌های احساسی و شتابزده و در افتادن به وادی خشم و نفرت و خشونت وجود ندارد. سبزها به دنبال حذف و انتقام نیستند، بلکه جنبش سبز، حرکتی است که با هر نوع خشم و نفرت مبارزه میکند و به همین دلیل، نمیتواند برای مبارزه با خشم، دست به خشونت بزند و از خشم استفاده کند، چرا که در این صورت فلسفه وجودی خود را به دست خود نقض خواهد کرد.

اشک سبزه من و تو موج‌ها خواهد ساخت ... گرچه آغشته به خونیم، گرچه آلوده به درد ...
بغض سبزه من و تو، نغمه‌ها خواهد خواند ... گرچه در باورشان نیست که ما، شاهد روشن فردا بیم ...
سبزه می‌اندیشیم ... حيله‌ها خواهد سوخت ... قصه‌ها خواهد ماند ... هموطن همراه شو ...